



معمدی : نه اینطور نیست. شخصیت‌های نمایش زار دراماتیک بوده ، مثلاً بابا زار ، فردی استثمارگر و زیاده طلب بود که به بهانه ی بازی زار از مردم سوء استفاده می‌کرد .

نعیمی : خاطر ام است که در طراحی صحنه زار، عکسی از گاندی دیده می‌شد .

عطایی : چرا عکس گاندی؟

معمدی: به خاطر مبارزات ضد استعماری گاندی در هند. می‌خواستیم بگویم که بازی زار جنبه ی استثماری دارد.

عطایی: و گاندی در واقع حضور شما به عنوان نویسنده بود.

معمدی: تفکر من اینطوری بود.

عطایی: نقد دیگری که عنوان شده، نمایش هایی مثل تفنگچی و پادزهر را تحت تاثیر شرایط آن زمان نوشته اید که بیشتر ارباب و رعیتی بوده و متن بومی تلقی نمی‌شد.

معمدی: نمایش تفنگچی کامل بود و از عناصر محلی مانند دریا، قایق، نخل و ... استفاده می‌شد رخداد وقایع در شهر بندرعباس و بازیگران هم لباس محلی پوشیده بودند.

قوبدل: استاد معمدی را از دوران نوجوانیم می‌شناسم و در خدمت ایشان بوده ام. یادم است که در دبیرستان ششم بهمن سابق، بعد از ظهر ها در یکی از اتاق های کلاس با بازیگران تمرین می‌کردند، در نمایشنامه (سزیف و مرگ) با ایشان بودم و هنوز خاطرات خوش آن در یادم مانده است. نمایشنامه هایی که گروه گشر کار کردند را می‌توان از (در حضور باد، چهار صندوق، ضیافت، سزیف و مرگ، استننا وقاعده، چشم در برابر چشم، چوب بدست های ورزیل، پادزهر ، تفنگچی و زار) نام برد.

نعیمی: جناب معمدی، شکل گیری متن زار چگونه بود؟

معمدی: مشاهدات همیشگی من از این رسم و مردمی که به مقوله زار وابستگی داشتند و مطالعه کتاب اهل هوا، عامل اصلی بودند که مرا به نوشتن واداشت سپس به اتفاق چند نفر از بازیگران به هرمز رفته و از نزدیک در بازی زار شرکت کردیم و چند بار در چند مجلس زار با نگاهی تازه تر شرکت جستیم و دستمایه موسیقی نمایش را یافتیم و از چند نفر که زاری بودند هنگام اجرا بهره بردیم و حضور ایشان به اجرا رونقی دیگر داده بود.

این گفت و گو چند ساعت به درازا کشیده و تجزیه و تحلیل نمایش اهالی نمایش هرمزگان نیز صورت گرفت که از حوصله ی این نوشتار به دور است.



در پایان، استاد معمدی، از توانایی های بالقوه و بالفعل که در ذات زنده یاد غلام قاصد بود و وی را به بازیگری تمام عیار مبدل ساخته بود بیان داشتند و تاسف بسیار ابراز داشتند که

چرا از این چهره ی استثنایی در امر بازیگری استفاده درست به عمل نیامد. قاصد یکی از مهره های اصلی و حیاتی گروه گشر بود و حلقه ی ارتباطی ما و مردم. یاد و خاطره ی غلام قاصد را گرامی می‌دارم. هنر تئاتر هرمزگان همیشه مطرح بوده و هم اینک نیز با ظهور و حضور چهره های ارزنده و جدید، نمایش و نمایشنامه نویسی در هرمزگان از منزلت و مقام بالایی در ایران برخوردار است.

در پایان از محبت شما و مدیر مسئول روزنامه ندای هرمزگان متشکرم.

گروه گشر در بندرعباس بی وقفه کار می‌کند و نمایشنامه های آرش کمانگیر از سیاوش کسرایی، ضحاک ماردوش از فردوسی، سزیف و مرگ از روبرمرل، استثناء و قاعده از برشت، خواستگاری از چخوف میراث ودر حضور باد از بیضایی، چشم در برابر چشم از ساعدی و ... را در دست می‌گیرند و به روی صحنه می‌برند.

نمایشنامه های تفنگچی و پادزهر هم که نوشته خود معمدی بود را به اجرا در می‌آوردند . معمدی می‌گوید : تفنگچی را براساس فضای کارگر و کارفرما در سال های کار در معدن فاریاب نوشته است و از این راه اوضاع نابسامان معدن را واگویی می‌کند.

به هر روی نمایش زار و گروه گشر ، نقطه عطفی می‌شوند در تئاتر هرمزگان و از آن پس گروه های متعدد نمایشی پدیدار می‌شوند . اداره فرهنگ و هنر نیز با ایجاد مرکز آموزش تئاتر به سرپرستی جواد سمیعان ، علاقمندان را به سوی خود می‌کشاند و اثرهای قابل تامل و تعمقی را به روی صحنه می‌برند .

یکی از کارهای نیکوی عبدالهادی معمدی تاسیس کتابفروشی «ارچن» بود. در آن سال ها که نبود کتاب و کتابخانه و کتابفروشی در این دیار بی داد می‌کرد . معمدی تازه های کتاب و به ویژه گونه های مختلف نمایشنامه را از تهران وارد می‌کرد و در دسترس علاقمندان قرار می‌داد که این نیز در نوع خود ، کاری بوده است که جزمعمدی کسی به آن تا آن زمان تن نداده بود. هر چند که کتابفروشی ارچن دوام چندانی نیافت و در سال ۱۳۵۵ توسط ساواک برچیده شد و آقای حمزه بیژنی مسول فروش کتاب به مدت یک هفته توسط ساواک دستگیر و کتابها توسط ساواک مصادره می‌شود، اما تاثیرات مثبت آن همچنان باقی ماند.

گروه گشر پس از آخرین کار به اجرا در نیامده و توقیف شده ی «چهار صندوق» اثر بهرام بیضایی از هم پاشیده شد و آدم های آن هر یک به سویی رفتند .

معمدی از آن پس در دانشکده ادبیات شهید باهنر کرمان پذیرفته شد و به دریافت دانشنامه ی لیسانس ادبیات نایل آمد. برای دریافت مدرک فوق لیسانس نیز مدتی به دانشگاه فسا رفته و آنگونه که خود می‌گوید استاد مربوطه وی در همین اوان تن به مهاجرت می‌دهد و عبدالهادی



معمدی از دریافت مدرک خویش باز می‌ماند.

از آن پس به کارهای پژوهشی روی می‌آورد، کتاب «رودان بهشت جنوب» را روانه چاپ می‌کند. با همکاری بنیاد شهید مبادرت به پژوهش در پیرامون زندگی ۱۸۰ شهید رودانی می‌نماید و کار را به خوبی به پیش می‌برد . او بر این اعتقاد است که شهدا از نیروی خاصی برخوردار بوده اند و ما مدیون جانفشانی ها و جان نثاری های آنان می‌باشیم . اما متأسفانه تمامی پژوهش های استاد معمدی در بنیاد شهید می‌ماند و به سامان نمی‌رسد .

پژوهش و نگارش پیرامون زندگی و کارهای «میرمنا» نیز از جمله توانمندی های دیگرمعمدی است که سال ها می‌شود دلمشغول آن است و امید می‌رود به سرنوشت «۱۸۰ شهید هرمزگان» دچار نگردد.

قوبدل : چطور است که آقای معمدی در همین جا قول بدهند تا بار دیگر نمایشنامه زار را کار کنیم با بازی ما و دیگر هنرمندان البته کارگردانی آن برعهده خود استاد معمدی باشد .

معمدی : این کار نیاز به بازنویسی دارد و باید از موسیقی اصلی زار استفاده کرد . من خوشحال می‌شوم که بار دیگر پس از سال ها «زار» را دوباره مردم ببیند . در اینجا قول می‌دهم با همکاری شما و بازنویسی آقای نعیمی آن را به دست بگیریم .

عطایی : جناب معمدی ، نقدی که برنمایش زار مطرح است ، این است که «زار» ساختار دراماتیک نداشتند و روایتی مستندگونه از آیین زار بوده که در روی صحنه اجرا شده است .